

مقاومت به روایت ولایت

وظایف بسیج در شرایط کنونی

تهیه و تنظیم: کامران پورعباس



بسیج یک پدیده الهی و شگفت‌انگیز و پربرکت و بسیجی بودن یک افتخار عظیم و متعالی و بی‌نظیر است.

امام خمینی در دوم آذر ۱۳۴۷ در آخرین پیامشان به مناسبت هفته بسیج از بسیج و بسیجی با تعابیر بسیار افتخار آمیز و غرور‌انگیزی یاد نمودند که مرور آن بسیار ارزشمند است:

«شکل بسیج در نظام جمهوری اسلامی ایران یقیناً از برکات و الطاف جلیله خداوند تعالی بود که بر ملت عزیز و انقلاب اسلامی ایران ارزانی شد. در حوادث گوناگون پس از پیروزی انقلاب خصوصاً جنگ، بودند نهادهای و گروه‌های فراوانی که با ایثار و خلوص و فداکاری و شهادت‌طلبی، کشور و انقلاب اسلامی را بیمه کردند. ولی حقیقتاً اگر بخواهیم مصداق کاملی از ایثار و خلوص و فداکاری و عشق به ذات مقدس حق و اسلام را ارائه دهیم، چه کسی سزاوارتر از بسیج و بسیجیان خواهند بود!». اگر بر کشوری نوای دلنشین تفکر بسیجی لنین‌انداز شد، ششم طمع دشمنان و جهان‌خواران از آن دور خواهد گردید و الا هر لحظه باید منتظر حادثه ماند. من دست بکنایک داشته باشم؛ می‌تواند گروه‌های مشکل را زایل کند». اگر مسئولین نظام اسلامی از شما غافل شوند، به آتش دوزخ الهی خواهند سوخت.» (صحیفه امام، ج ۲۱، ص: ۱۹۴ تا ۱۹۶)

مقام معظم رهبری حضرت آیت‌الله خاتمی‌ای نیز همواره به بسیجی بودنشان افتخار نموده و پیوسته از بسیج و بسیجی با تعابیر عظیم و افتخارآمیزی یاد نموده‌اند. معلّم‌له در دیدار اخیر بسیجیان به مناسبت فرا رسیدن هفته بسیج در ۱۳۹۶/۹/۱ در مورد اهمیت بسیج فرمودند: «بسیج -که یک پدیده کم‌نظیر انقلاب اسلامی و از ابتکارات امام بزرگوار است- ظرفیتی دارد که می‌تواند در همه بخش‌های مورد نیاز در کشور حضور فعالی داشته باشد؛ می‌تواند گروه‌های مشکل را زایل کند» و نیز فرمودند: «مسئله بسیج، مسئله بسیار مهمی است، مسئله عمیقی است. بسیج یعنی گرد آوردن امکانات و به خط کردن ظرفیت‌ها برای رسیدن به مقصود در یک امری که مورد توجه است؛ این معنای بسیج است. انقلاب اسلامی اگر همه آنچه را ما امروز داریم داشت، ولی بسیج عمومی و مردمی را نداشت، قطعاً لنگی مهمی در کارهایش به وجود می‌آمد. سلازمان مقاومت بسیج که بحمدالله امروز مجموعه کارآمدی است، یک نمادی از بسیج عمومی مردمی است؛ بخش سازمان‌یافته بسیج عمومی مردمی است.»

انتظارات از بسیج در شرایط کنونی

بسیج با چنین جایگاه و وجهه والایی وظایف و تکالیف بزرگ و خدیر و سرنوشت‌سازی دارد.

جدیدترین و به‌روزترین انتظارات از بسیج را رهبر فرزانه انقلاب اسلامی در دیدار اخیر بسیجیان تشریح فرموده‌اند. عزم راسخ در مسیر تحقق مقاصد حقیقی و والای جمهوری اسلامی یکی از مهم‌ترین انتظارات است:

«باز به حرکت، نیاز به فکر، نیاز به تصمیم، نیاز به عزم راسخ، تا بتوانیم به آن مقاصد حقیقی و والای جمهوری اسلامی، خودمان را برسانیم، کشورمان را برسانیم، اینها همه حرکت لازم دارد، تحرّک لازم دارد. این تحرّک با سازماندهی نیروی مقاومت بسیج و همه‌جانبه‌نگری این نیرو تحقق پیدا می‌کند.»

حفظ بسیج و خصوصیات لازم بسیج

حفظ بسیج و خصوصیات لازم بسیج، تکلیف مهم دیگر است: «بسیج را حفظ کنید. خصوصیتی که در بسیج لازم است و معتبر است و وجود داشته است بحمدالله، این خصوصیات را نگه دارید. معلّم‌له در ادامه این خصوصیات را که نیاز امروز و همیشه بسیج هستند برشمرده و بر ضرورت حفظ آنها تأکید می‌نماید.

بصیرت و دشمن‌شناسی

بصیرت و دشمن‌شناسی، دو نمونه از مهم‌ترین و اساسی‌ترین خصوصیات لازم در بسیج هستند که رهبر انقلاب همواره بر آن تأکید دارند:

«یکی از این خصوصیات بصیرت است؛ دشمن‌شناسی است؛ راه‌های مقابله با دشمن است؛ فهم ترفندهای دشمن است. جوان مؤمن ما باید بداند که یکی از شیوه‌های دشمن این است که او را نسبت به ارزش‌های عملی اسلامی بی‌تفاوت کند؛ در زمینه مسائل شخصی زندگی، مسائل خانواده‌گی، مسائل گوناگون.»

مطلّعه در ادامه توضیحات بیشتری در مورد این دو خصوصیت راهبردی فرمودند:

«بصیرت لازم است -جزو شرط‌های لازم است- مجاهدت لازم است، ثبات لازم است. عزیزان من! ثبات در این راه، استقامت در این راه، یکی از واجباتی و مهم‌ترین عوامل پیشرفت است. سعی کنید محیط خودتان را، برپامون خودتان را، عناصر مرتبط با خودتان را و، پیش از همه، درون و دل خودتان را وفادار و باثبات نگه دارید نسبت به این آرمان‌ها و نسبت به این راه و نسبت به این اهداف والا؛ قطعاً پیروز خواهید شد، قطعاً پیروزی با شما خواهد بود.» و نیز فرمودند: «البته دشمنان هر روزی توطئه جدیدی، یک حيله جدیدی و ترفند جدیدی را مطرح خواهند کرد؛ بایستی نیروهای مبتکر و مؤمن و آماده‌به‌کار، ما قبل از آنکه دشمن بخواهد ترفندی را اجرا بکند و شگرد جدیدی را وارد میدان بکند، آماده باشنند؛ به پاسخ بدهند، هم پیشگیری کنند؛ از آنچه دشمن ممکن است انجام بدهد.»

کارنامه فوق‌العاده در خشان و پرافتخار بسیج

کارنامه بسیج، کارنامه‌ای فوق‌العاده در خشان و پرافتخار است و

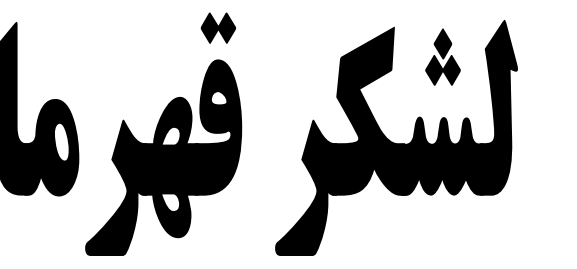
پیروزی در جنگ تحمیلی، دفع فتنه ۷۸ و ۸۸، پیروزی بر داعش و تکفیری‌ها و به زانو درآوردن پشتیبانان پیشرفت‌ها و بسیجیان با اسرائیل از جمله دستاوردهای حضور بسیج و انتشار تفکر بسیجی در جهان اسلام است. یکی از مهم‌ترین دلایل اقتدار و پیشرفت روزافزون بسیج در خط ولایت بودن و اطاعت محض و بی‌چون و چرا از ولایت‌فقیه است. بدون شک در آینده نیز بسیج و بسیجیان با تمهیت از ولایت‌فقیه قلبه‌ای بلندتری را فتح خواهند نمود. ان‌شاءالله و به یاری خداوند.

به درستی که یکی از شعارهای و همبستگی و جاویدان بسیج این است که:

«رهسپاریم با ولایت تا شهادت»

آرش فهم

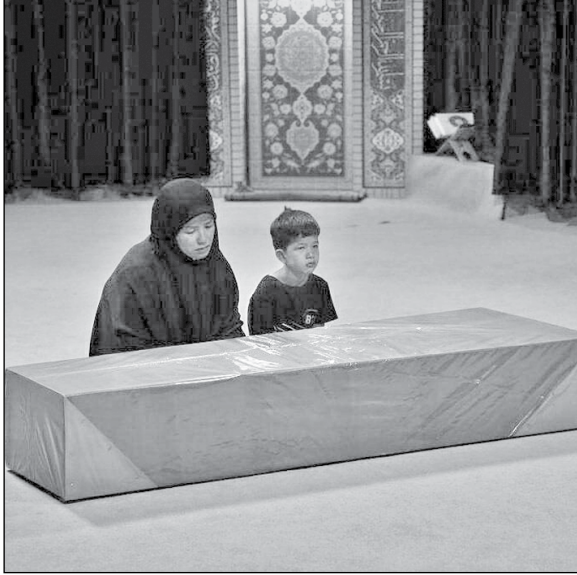
انتشار تصویری تکان‌دهنده از خلوت همسر و فرزند یکی از شهدای مدافع حرم افغانستانی در معراج شهدای تهران، تلنگری بود بر ذهن‌های فراموشکار که در دوران پساداعش، از عوامل این پیروزی غافل نشوند. این تصویر، هر چند که گهته می‌شود متعلق به قبل از مراسم تشییع و زمان خلوت نزدیکان با شهید است، اما استعارای است از غربت بخشی از قهرمانان گمنام و بی‌ادعای یک میله‌که پهراس. قهرمانانی که نیروهای مجاهد اهل افغانستان بودند و با عنوان «لشکر فاطمیون» شناخته می‌شوند. فاطمیون در دوران جنگ با داعش از زخم‌های کینه‌توزانه دشمنان در رنج و آزار بودند. داغ ننگ توهین به این لشکر راه خدا بر پیشانی آن‌هایی که جالاه‌نه اسربازان را مزبور می‌نامیدند و به دروغ می‌گفتند که به خاطر پول به جنگ داعش می‌رفتند خواهد ماند. تاریک‌اندیشان و تبه فکرائی که به مدافعان حرم نسبت‌های مادی‌گرایانه وارد می‌کنند، نامشان به عنوان حامیان معنوی داعش بر جریده تاریخ ثبت شده است. مبادا که فاطمیون در دوران پیروزی از سوی دوستان،



مظلوم واقع شوند.

عظمت لشکر فاطمیون تنها زمانی درک می‌شود که وسعت خطری با نام داعش که به جان بشریت افتاد را درک کنیم؛ شش سال قبل که سطره داعش بر منطقه آغاز شد، کمتر کسی فکرش را می‌کرد که این غده سرطانی به این زودی‌ها درمان شود. حتی برخی از نظریه‌پردازها از احتمال گسترش جنگ به نقاط مختلف جهان، حتی مناطقی چون استرالیا و قطب شمال را می‌دادند! البته ترکش‌های این جنگ به خود حامیان داعش نیز رسید و حملات تروریستی داعش، به کشورهای اروپایی نیز سرایت کرد. جای تردیدی نیست که اگر صفوف مختلف جبهه مقاومت نبود، داعش روز به روز بر وسعت خلافت و جنایت خود می‌افزود. جبهه‌ای که نیروهای آن را به اسم نمادین «مدافعان حرم» می‌شناسیم. اما این جبهه تنها به دالواران ایرانی محدود نیست و از کشورهای مختلف جهان در آن حضور داشتند؛ علاوه بر سوریه و عراق که محل‌های اصلی درگیری بودند و ایران که محور اصلی جبهه مقاومت است، از کشورهای چون لبنان و پاکستان و افغانستان نیز نیروهایی جلوی داعش و تکفیری‌ها ایستادند.

یکی از صفوف پرافتخار جبهه مدافعان حرم، لشکر فاطمیون هستند. هم از این‌روست که فرمانده نبرد با داعش، سرلشکر قاسم سلیمانی، در دیدار با خانواده فرمانده شهید فاطمیون، علیرضا توسلی(بواحمد) گفته بود: «فاطمیون یک کوثر، یک خیر ارزشمند نه‌تنها برای مسلمانان در



اینجا، بلکه برای کل جهان اسلام است. این اقدام اهل فوق‌العاده‌ای داشت که در حال حاضر برخی تأثیر این نیرو را نمی‌فهمند اما بعداً تأثیر آن را در دفاع از جهان اسلام متوجه می‌شوند. مجاهدت‌های رزمندگان فاطمیون خاک مظلومیت را از چهره افغانستان‌ها زودود. مجاهدت فاطمیون، نگرش‌ها را تغییر داد؛ امروز الحمدلله به مردم افغانستان با یک نگاه دیگر، یک احترام دیگر، توجه می‌شود. قیور شهدای افغانستانی، مانند امام‌زاده‌ها شده است و مردم توجه ویژه‌ای به آنان پیدا کرده‌اند. هیچ چیزی به اندازه این مجاهدت فاطمیون و این گونه دفاع از آرمان‌ها و شهادت در این مسیر نمی‌توانست این‌قدر بر نوع مواجهه بخشی از جامعه ایران با خانواده‌های افتخارناست اثر بگذارد. یک احترام فوق‌العاده‌ای در جامعه ایرانی به وجود آمده است.»

مجمع جهانی هیئات مذهبی مهاجرین افغانستانی مقیم ایران نیز به مناسبت شکست داعش در برابر جبهه مقاومت، بیانیه‌ای را صادر کرد

که به این شرح است:

«فتح و نصرت سپاه اسلام در برابر شقی‌ترین جنود شیطانی داعش آمریکایی-اسرائیلی-سعودی و سقوط این شجره ملعونه بر همه مسلمین محمدی و علوی میمون و مبارک‌باد.گرچه باید نقش و جایگاه لشکر فاطمیون بهتر و بیشتر تبیین شود و شمیم مظلومیت به مشام نرسد. اما انگار حاج قاسم عزیز می‌داند که فاطمیون کارشان بی‌ریاست و از هیچ کس توقعی ندارد بلکه خدا مردنشان را داده و خواهد داد. خود سردار هم خیالش از این بابت راحت است و دل دلبگران را باید بدست بیاورد تا کم گذاشته نشود و برای فاطمیون این طوری بی‌ریاتر و مقبول‌تر خواهد بود. اما به پیام جامع، متواضعانه، همه‌جانبه و عالی این سردار رشید اسلام و سرباز فداکار و مطیع رهبر معظم انقلاب و جهان اسلام افتخار می‌کنیم و جای تشکر دارد. خداوند در ثواب اخلاص گمنامان به ما هم



نگاهی به نقش «فاطمیون» در جبهه مقاومت

که شهیدی از جبهه‌های افغانستانی را برای تشییع به ایران و افغانستان می‌برند و احساس خطر بیشتر می‌شد موجی از شیعیان افغانستان برای دفاع از حرم حضرت زینب(س) و اعزاز به سوریه آماده می‌شدند. با اعزاز تعداد زیادی از این جوانان مؤمن به سوریه کم‌کم جمعیت زیادی برای دفاع حضور پیدا کردند تا اینکه تعدادشان به چند هزار نفر رسید. همین امر و ازدیاد تعداد نیروها و افزایش توان عملیاتی فاطمیون، موجب شد که این تیپ به لشکر که معمولاً متشکل از ۱۰ تا ۲۰هزار نفر و متشکل از چند تیپ است، ارتقا یابد.»

ظهوری در ادامه بیان می‌کند: «فاطمیون تاکنون بیش از ۳۰۰ شهید مدافع حرم در سوریه تقدیم کرده است، چنانچه در دوران دفاع مقدس نیز بیش از ۲ هزار نفر افغانستانی در جنگ تحمیلی در راه آرمان‌های انقلاب اسلامی ایران به شهادت رسیدند که آمار مستند آن وجود دارد.



از جمله این شهدا، شهید علیرضا توسلی ملقب به ابواحمد فرمانده و بنیانگذار فاطمیون نیز سال گذشته در پی یک جنگ نابرابر و دفاع شجاعانه از حریم مقدس و مرقد حضرت زینب(س) به درجه رفیع شهادت نایل آمد و سرداری شد که بی‌سر به دیار یار شتافت.»

دکتر ظهوری گفت: عملکرد و جهاد فاطمیون همواره بی‌پریا بود که اینگونه مقبول درگاه الهی قرار گرفته است و ما به پیام جامع، متواضعانه، همه‌جانبه و عالی سردار سرافراز اسلام حاج قاسم سلیمانی افتخار می‌کنیم.

دکتر ظهوری با اشاره به نامه ارزشمند سردار حاج قاسم سلیمانی خطاب به رهبر معظم انقلاب و اعلام نابودی داعش گفت: حاج قاسم سلیمانی خوب می‌داند که کار فاطمیون بی‌ریاست و از هیچ کس توقعی ندارد بلکه خداوند مردشان را داده و خواهد داد و خود سردار سرافراز اسلام هم خیالش از این بابت راحت است.

کارشناس افغانستانی در پایان گفت: عملکرد و جهاد فاطمیون همواره بی‌پریا بود که اینگونه مقبول درگاه الهی است و ما به پیام جامع، متواضعانه، همه‌جانبه و عالی سردار حاج قاسم سلیمانی افتخار می‌کنیم و جای تشکر دارد.

فاطمیون؛ یاران معاصر حسین(ع)

سید مسافرا، یکی از رزمندگان عالی‌رتبه لشکر فاطمیون است که معتقد است «فاطمیون، یاران معاصر امام حسین(ع) هستند.» در گفت‌وگویی که پیش از این در دوران اول نبرد با تکفیری‌ها با وی داشت، گفته بود: «برای بسیاری جای سؤال است که چرا فاطمیون امروز در سوریه حضور یافته‌اند و جهاد می‌کنند؟ چون آن‌ها هزاران کیلومتر دورتر از سرزمین و خانه خود و در کشوری غریب، سخت‌ترین شرایط را به جان می‌خرند و مبارزه می‌کنند. این جهاد، به خاطر درس گرفتن از عاشورااست. یعنی نگاه فاطمیون به مقاومت، برداشتی از جهاد اباعبدالله(ع) است. جهاد فاطمیون هیچ دلیل دیگری جز این برداشت ندارد. آن‌ها دور از وطن، با فدا کردن جان و تن از آرمان‌های اسلام دفاع می‌کنند و پای این مکتب و این عقیده ایستاده‌اند. فاطمیون چندهزار کیلومتر دورتر از منزل خود جهاد می‌کنند تا مبدا چهره کسی از ظلم خراشیده شود. همین هدف باعث می‌شود که آنجا قرار بگیرند و به دفاع بپردازند.» از سیدمسافر پرسیده بودم که دلیل دفاع فاطمیون از سرزمین‌هایی غیر از کشور خود چیست؟ وی این گونه پاسخ داد: «فاطمیون امروز

کار داستانی باشد. تکتک مهم دیگری نیز وجود دارد؛ قدر مسلم این‌که ما در سوریه و به ویژه لبنان در یک محیط رقابتی واقع شدایم. پیچیدگی و سرعت تحولات می‌تواند تهدیدی موثر برای فعالیت‌های ما باشد؛ اگر بدون طرح و برنامه و انسجام در فعالیت باشیم. در این صورت روسیه، چین، اروپا، آمریکا و عربستان سعودی از جمله مهم‌ترین رقبای ما در منطقه، ابتکار بازی را از ما سلب خواهند کرد، کما اینکه این اتفاق بارها رخ داده است. به همین سبب، شناخت الگوی فعالیت رقبای ما در منطقه در فضای رسانه‌ای و عملیات اطلاعاتی و رسانه‌های حداقل کاری است که باید انجام دهیم. چنانچه روسیه از همان ابتدای حضور در سوریه با یک بی‌سوخت رسانه‌ای مشخص وارد میدان کاری است. این پوست از شاخص: فن آوری، انسان و داستان برخوردار بوده و هست و در دوره‌های مختلف، رویکردهای روسیه را در منطقه تأمین کرده است. تاملی بر فعالیت رسانه‌ای روسیه نشان می‌دهد آنها اهداف روشن و آینده‌نگرانه‌ای داشتند و تلاش کردند در عرصه اقتاد نیز از نیروها و ظرفیت‌های موجود به خوبی استفاده کنند.

رویکردهای روسیه در سوریه از ابتدا را به شرح زیر می‌توانم دسته‌بندی کنم:
۱- برارند و در جهان متکسر امروزین، این پیام دختر مسیحی الفد: روسیه- به عنوان یک نیروی موثر و پیشتاز برای تغییر اوضاع میدانی هم‌پیمان ایران.
ب: روسیه به عنوان حامی مردم سوریه(اعم از شیعه و سنی) کار داستانی باشد. سید مسافرا، یکی از رزمندگان عالی‌رتبه لشکر فاطمیون است که معتقد است «فاطمیون، یاران معاصر امام حسین(ع) هستند.» در گفت‌وگویی که پیش از این در دوران اول نبرد با تکفیری‌ها با وی داشت، گفته بود: «برای بسیاری جای سؤال است که چرا فاطمیون امروز در سوریه حضور یافته‌اند و جهاد می‌کنند؟ چون آن‌ها هزاران کیلومتر دورتر از سرزمین و خانه خود و در کشوری غریب، سخت‌ترین شرایط را به جان می‌خرند و مبارزه می‌کنند. این جهاد، به خاطر درس گرفتن از عاشورااست. یعنی نگاه فاطمیون به مقاومت، برداشتی از جهاد اباعبدالله(ع) است. جهاد فاطمیون هیچ دلیل دیگری جز این برداشت ندارد. آن‌ها دور از وطن، با فدا کردن جان و تن از آرمان‌های اسلام دفاع می‌کنند و پای این مکتب و این عقیده ایستاده‌اند. فاطمیون چندهزار کیلومتر دورتر از منزل خود جهاد می‌کنند تا مبدا چهره کسی از ظلم خراشیده شود. همین هدف باعث می‌شود که آنجا قرار بگیرند و به دفاع بپردازند.» از سیدمسافر پرسیده بودم که دلیل دفاع فاطمیون از سرزمین‌هایی غیر از کشور خود چیست؟ وی این گونه پاسخ داد: «فاطمیون امروز



در مناطقی جهاد می‌کنند که سرزمین زینب(س)، رقیه(س) و … است و حرم‌های آن‌ها هدف تهدید قرار گرفته است. ما نمی‌توانیم این مسئله را نادیده بگیریم- و بار دیگر مشل دوران حکومت‌های اموی و عباسی بنظر بنشینیم تا تکفیری‌ها حرم‌های مقدس اهل بیت را ویران کنند. این برای ما قابل بدیش نیست. آن کسی که حرمش آنجاست و داعشی‌ها می‌خواهند خرابش کنند، یادگار و اسوه کربلاست. برای ما، مسز و جغرافیا، حرم اهل بیت است.» سیدمسافر افزوده بود: «امروز جوامع عاشورایی در مناطق خود با آزمون‌های سختی مواجه هستند. مثل مردم عاشورایی نیجریه و پیروان شیخ زکزاکی که از امتحان خود سربلند بیرون آمدند. آن‌ها جانهه ایستادند و باعث شدند تا عاشوراییان یمن و عربستان هم به حرکت بیشتر و داشته شوند. اما نکته قابل تأمل این است که همه این جوامع در سرزمین خودشان در حال جهاد هستند. اما مردم عاشورایی افغانستان در مرزهای دورتر از سرزمین خود به دفاع از آرمان‌های اعتقادی خود می‌پردازند. بار اول، دوران دفاع مقدس بود که هشت سال نشان دادند که مرز برای آن‌ها مطرح نیست، بار دوم در سوریه نشان دادند که اصلاً ما جغرافیا نمی‌شناسیم؛ ما یک جغرافیا بیشتر نداریم که آن هم دین است و یک مرز داریم که آن هم مکتب است. برای ما غیر از مکتب عاشورا هیچ جغرافیای دیگری تأثیر گذار نیست. مرزهای جغرافیایی، قراردادهایی آسمی روی زمین هستند. اما جغرافیای ما ماورای این‌هاست و همه مکان‌ها و زمان‌ها را دربر می‌گیرد. عاشوراییان جوامع در سرزمین خودشان در حال جهاد هستند. اما مردم عاشورایی افغانستان در مرزهای دورتر از سرزمین خود به دفاع از آرمان‌های اعتقادی خود می‌پردازند. بار اول، دوران دفاع مقدس بود که هشت سال نشان دادند که مرز برای آن‌ها مطرح نیست، بار دوم در سوریه نشان دادند که اصلاً ما جغرافیا نمی‌شناسیم؛ ما یک جغرافیا بیشتر نداریم که آن هم دین است و یک مرز داریم که آن هم مکتب است. برای ما غیر از مکتب عاشورا هیچ جغرافیای دیگری تأثیر گذار نیست. مرزهای جغرافیایی، قراردادهایی آسمی روی زمین هستند. اما جغرافیای ما ماورای این‌هاست و همه مکان‌ها و زمان‌ها را دربر می‌گیرد. عاشوراییان جوامع در سرزمین خودشان در حال جهاد هستند. اما مردم عاشورایی افغانستان در مرزهای دورتر از سرزمین خود به دفاع از آرمان‌های اعتقادی خود می‌پردازند. بار اول، دوران دفاع مقدس بود که هشت سال نشان دادند که مرز برای آن‌ها مطرح نیست، بار دوم در سوریه نشان دادند که اصلاً ما جغرافیا نمی‌شناسیم؛ ما یک جغرافیا بیشتر نداریم که آن هم دین است و یک مرز داریم که آن هم مکتب است. برای ما غیر از مکتب عاشورا هیچ جغرافیای دیگری تأثیر گذار نیست. مرزهای جغرافیایی، قراردادهایی آسمی روی زمین هستند. اما جغرافیای ما ماورای این‌هاست و همه مکان‌ها و زمان‌ها را دربر می‌گیرد. عاشوراییان جوامع در سرزمین خودشان در حال جهاد هستند. اما مردم عاشورایی افغانستان در مرزهای دورتر از سرزمین خود به دفاع از آرمان‌های اعتقادی خود می‌پردازند. بار اول، دوران دفاع مقدس بود که هشت سال نشان دادند که مرز برای آن‌ها مطرح نیست، بار دوم در سوریه نشان دادند که اصلاً ما جغرافیا نمی‌شناسیم؛ ما یک جغرافیا بیشتر نداریم که آن هم دین است و یک مرز داریم که آن هم مکتب است. برای ما غیر از مکتب عاشورا هیچ جغرافیای دیگری تأثیر گذار نیست. مرزهای جغرافیایی، قراردادهایی آسمی روی زمین هستند. اما جغرافیای ما ماورای این‌هاست و همه مکان‌ها و زمان‌ها را دربر می‌گیرد. عاشوراییان جوامع در سرزمین خودشان در حال جهاد هستند. اما مردم عاشورایی افغانستان در مرزهای دورتر از سرزمین خود به دفاع از آرمان‌های اعتقادی خود می‌پردازند. بار اول، دوران دفاع مقدس بود که هشت سال نشان دادند که مرز برای آن‌ها مطرح نیست، بار دوم در سوریه نشان دادند که اصلاً ما جغرافیا نمی‌شناسیم؛ ما یک جغرافیا بیشتر نداریم که آن هم دین است و یک مرز داریم که آن هم مکتب است. برای ما غیر از مکتب عاشورا هیچ جغرافیای دیگری تأثیر گذار نیست. مرزهای جغرافیایی، قراردادهایی آسمی روی زمین هستند. اما جغرافیای ما ماورای این‌هاست و همه مکان‌ها و زمان‌ها را دربر می‌گیرد. عاشوراییان جوامع در سرزمین خودشان در حال جهاد هستند. اما مردم عاشورایی افغانستان در مرزهای دورتر از سرزمین خود به دفاع از آرمان‌های اعتقادی خود می‌پردازند. بار اول، دوران دفاع مقدس بود که هشت سال نشان دادند که مرز برای آن‌ها مطرح نیست، بار دوم در سوریه نشان دادند که اصلاً ما جغرافیا نمی‌شناسیم؛ ما یک جغرافیا بیشتر نداریم که آن هم دین است و یک مرز داریم که آن هم مکتب است. برای ما غیر از مکتب عاشورا هیچ جغرافیای دیگری تأثیر گذار نیست. مرزهای جغرافیایی، قراردادهایی آسمی روی زمین هستند. اما جغرافیای ما ماورای این‌هاست و همه مکان‌ها و زمان‌ها را دربر می‌گیرد. عاشوراییان جوامع در سرزمین خودشان در حال جهاد هستند. اما مردم عاشورایی افغانستان در مرزهای دورتر از سرزمین خود به دفاع از آرمان‌های اعتقادی خود می‌پردازند. بار اول، دوران دفاع مقدس بود که هشت سال نشان دادند که مرز برای آن‌ها مطرح نیست، بار دوم در سوریه نشان دادند که اصلاً ما جغرافیا نمی‌شناسیم؛ ما یک جغرافیا بیشتر نداریم که آن هم دین است و یک مرز داریم که آن هم مکتب است. برای ما غیر از مکتب عاشورا هیچ جغرافیای دیگری تأثیر گذار نیست. مرزهای جغرافیایی، قراردادهایی آسمی روی زمین هستند. اما جغرافیای ما ماورای این‌هاست و همه مکان‌ها و زمان‌ها را دربر می‌گیرد. عاشوراییان جوامع در سرزمین خودشان در حال جهاد هستند. اما مردم عاشورایی افغانستان در مرزهای دورتر از سرزمین خود به دفاع از آرمان‌های اعتقادی خود می‌پردازند. بار اول، دوران دفاع مقدس بود که هشت سال نشان دادند که مرز برای آن‌ها مطرح نیست، بار دوم در سوریه نشان دادند که اصلاً ما جغرافیا نمی‌شناسیم؛ ما یک جغرافیا بیشتر نداریم که آن هم دین است و یک مرز داریم که آن هم مکتب است. برای ما غیر از مکتب عاشورا هیچ جغرافیای دیگری تأثیر گذار نیست. مرزهای جغرافیایی، قراردادهایی آسمی روی زمین هستند. اما جغرافیای ما ماورای این‌هاست و همه مکان‌ها و زمان‌ها را دربر می‌گیرد. عاشوراییان جوامع در سرزمین خودشان در حال جهاد هستند. اما مردم عاشورایی افغانستان در مرزهای دورتر از سرزمین خود به دفاع از آرمان‌های اعتقادی خود می‌پردازند. بار اول، دوران دفاع مقدس بود که هشت سال نشان دادند که مرز برای آن‌ها مطرح نیست، بار دوم در سوریه نشان دادند که اصلاً ما جغرافیا نمی‌شناسیم؛ ما یک جغرافیا بیشتر نداریم که آن هم دین است و یک مرز داریم که آن هم مکتب است. برای ما غیر از مکتب عاشورا هیچ جغرافیای دیگری تأثیر گذار نیست. مرزهای جغرافیایی، قراردادهایی آسمی روی زمین هستند. اما جغرافیای ما ماورای این‌هاست و همه مکان‌ها و زمان‌ها را دربر می‌گیرد. عاشوراییان جوامع در سرزمین خودشان در حال جهاد هستند. اما مردم عاشورایی افغانستان در مرزهای دورتر از سرزمین خود به دفاع از آرمان‌های اعتقادی خود می‌پردازند. بار اول، دوران دفاع مقدس بود که هشت سال نشان دادند که مرز برای آن‌ها مطرح نیست، بار دوم در سوریه نشان دادند که اصلاً ما جغرافیا نمی‌شناسیم؛ ما یک جغرافیا بیشتر نداریم که آن هم دین است و یک مرز داریم که آن هم مکتب است. برای ما غیر از مکتب عاشورا هیچ جغرافیای دیگری تأثیر گذار نیست. مرزهای جغرافیایی، قراردادهایی آسمی روی زمین هستند. اما جغرافیای ما ماورای این‌هاست و همه مکان‌ها و زمان‌ها را دربر می‌گیرد. عاشوراییان جوامع در سرزمین خودشان در حال جهاد هستند. اما مردم عاشورایی افغانستان در مرزهای دورتر از سرزمین خود به دفاع از آرمان‌های اعتقادی خود می‌پردازند. بار اول، دوران دفاع مقدس بود که هشت سال نشان دادند که مرز برای آن‌ها مطرح نیست، بار دوم در سوریه نشان دادند که اصلاً ما جغرافیا نمی‌شناسیم؛ ما یک جغرافیا بیشتر نداریم که آن هم دین است و یک مرز داریم که آن هم مکتب است. برای ما غیر از مکتب عاشورا هیچ جغرافیای دیگری تأثیر گذار نیست. مرزهای جغرافیایی، قراردادهایی آسمی روی زمین هستند. اما جغرافیای ما ماورای این‌هاست و همه مکان‌ها و زمان‌ها را دربر می‌گیرد. عاشوراییان جوامع در سرزمین خودشان در حال جهاد هستند. اما مردم عاشورایی افغانستان در مرزهای دورتر از سرزمین خود به دفاع از آرمان‌های اعتقادی خود می‌پردازند. بار اول، دوران دفاع مقدس بود که هشت سال نشان دادند که مرز برای آن‌ها مطرح نیست، بار دوم در سوریه نشان دادند که اصلاً ما جغرافیا نمی‌شناسیم؛ ما یک جغرافیا بیشتر نداریم که آن هم دین است و یک مرز داریم که آن هم مکتب است. برای ما غیر از مکتب عاشورا هیچ جغرافیای دیگری تأثیر گذار نیست. مرزهای جغرافیایی، قراردادهایی آسمی روی زمین هستند. اما جغرافیای ما ماورای این‌هاست و همه مکان‌ها و زمان‌ها را دربر می‌گیرد. عاشوراییان جوامع در سرزمین خودشان در حال جهاد هستند. اما مردم عاشورایی افغانستان در مرزهای دورتر از سرزمین خود به دفاع از آرمان‌های اعتقادی خود می‌پردازند. بار اول، دوران دفاع مقدس بود که هشت سال نشان دادند که مرز برای آن‌ها مطرح نیست، بار دوم در سوریه نشان دادند که اصلاً ما جغرافیا نمی‌شناسیم؛ ما یک جغرافیا بیشتر نداریم که آن هم دین است و یک مرز داریم که آن هم مکتب است. برای ما غیر از مکتب عاشورا هیچ جغرافیای دیگری تأثیر گذار نیست. مرزهای جغرافیایی، قراردادهایی آسمی روی زمین هستند. اما جغرافیای ما ماورای این‌هاست و همه مکان‌ها و زمان‌ها را دربر می‌گیرد. عاشوراییان جوامع در سرزمین خودشان در حال جهاد هستند. اما مردم عاشورایی افغانستان در مرزهای دورتر از سرزمین خود به دفاع از آرمان‌های اعتقادی خود می‌پردازند. بار اول، دوران دفاع مقدس بود که هشت سال نشان دادند که مرز برای آن‌ها مطرح نیست، بار دوم در سوریه نشان دادند که اصلاً ما جغرافیا نمی‌شناسیم؛ ما یک جغرافیا بیشتر نداریم که آن هم دین است و یک مرز داریم که آن هم مکتب است. برای ما غیر از مکتب عاشورا هیچ جغرافیای دیگری تأثیر گذار نیست. مرزهای جغرافیایی، قراردادهایی آسمی روی زمین هستند. اما جغرافیای ما ماورای این‌هاست و همه مکان‌ها و زمان‌ها را دربر می‌گیرد. عاشوراییان جوامع در سرزمین خودشان در حال جهاد هستند. اما مردم عاشورایی افغانستان در مرزهای دورتر از سرزمین خود به دفاع از آرمان‌های اعتقادی خود می‌پردازند. بار اول، دوران دفاع مقدس بود که هشت سال نشان دادند که مرز برای آن‌ها مطرح نیست، بار دوم در سوریه نشان دادند که اصلاً ما جغرافیا نمی‌شناسیم؛ ما یک جغرافیا بیشتر نداریم که آن هم دین است و یک مرز داریم که آن هم مکتب است. برای ما غیر از مکتب عاشورا هیچ جغرافیای دیگری تأثیر گذار نیست. مرزهای جغرافیایی، قراردادهایی آسمی روی زمین هستند. اما جغرافیای ما ماورای این‌هاست و همه مکان‌ها و زمان‌ها را دربر می‌گیرد. عاشوراییان جوامع در سرزمین خودشان در حال جهاد هستند. اما مردم عاشورایی افغانستان در مرزهای دورتر از سرزمین خود به دفاع از آرمان‌های اعتقادی خود می‌پردازند. بار اول، دوران دفاع مقدس بود که هشت سال نشان دادند که مرز برای آن‌ها مطرح نیست، بار دوم در سوریه نشان دادند که اصلاً ما جغرافیا نمی‌شناسیم؛ ما یک جغرافیا بیشتر نداریم که آن هم دین است و یک مرز داریم که آن هم مکتب است. برای ما غیر از مکتب عاشورا هیچ جغرافیای دیگری تأثیر گذار نیست. مرزهای جغرافیایی، قراردادهایی آسمی روی زمین هستند. اما جغرافیای ما ماورای این‌هاست و همه مکان‌ها و زمان‌ها را دربر می‌گیرد. عاشوراییان جوامع در سرزمین خودشان در حال جهاد هستند. اما مردم عاشورایی افغانستان در مرزهای دورتر از سرزمین خود به دفاع از آرمان‌های اعتقادی خود می‌پردازند. بار اول، دوران دفاع مقدس بود که هشت سال نشان دادند که مرز برای آن‌ها مطرح نیست، بار دوم در سوریه نشان دادند که اصلاً ما جغرافیا نمی‌شناسیم؛ ما یک جغرافیا بیشتر نداریم که آن هم دین است و یک مرز داریم که آن هم مکتب است. برای ما غیر از مکتب عاشورا هیچ جغرافیای دیگری تأثیر گذار نیست. مرزهای جغرافیایی، قراردادهایی آسمی روی زمین هستند. اما جغرافیای ما ماورای این‌هاست و همه مکان‌ها و زمان‌ها را دربر می‌گیرد. عاشوراییان جوامع در سرزمین خودشان در حال جهاد هستند. اما مردم عاشورایی افغانستان در مرزهای دورتر از سرزمین خود به دفاع از آرمان‌های اعتقادی خود می‌پردازند. بار اول، دوران دفاع مقدس بود که هشت سال نشان دادند که مرز برای آن‌ها مطرح نیست، بار دوم در سوریه نشان دادند که اصلاً ما جغرافیا نمی‌شناسیم؛ ما یک جغرافیا بیشتر نداریم که آن هم دین است و یک مرز داریم که آن هم مکتب است. برای ما غیر از مکتب عاشورا هیچ جغرافیای دیگری تأثیر گذار نیست. مرزهای جغرافیایی، قراردادهایی آسمی روی زمین هستند. اما جغرافیای ما ماورای این‌هاست و همه مکان‌ها و زمان‌ها را دربر می‌گیرد. عاشوراییان جوامع در سرزمین خودشان در حال جهاد هستند. اما مردم عاشورایی افغانستان در مرزهای دورتر از سرزمین خود به دفاع از آرمان‌های اعتقادی خود می‌پردازند. بار اول، دوران دفاع مقدس بود که هشت سال نشان دادند که مرز برای آن‌ها مطرح نیست، بار دوم در سوریه نشان دادند که اصلاً ما جغرافیا نمی‌شناسیم؛ ما یک جغرافیا بیشتر نداریم که آن هم دین است و یک مرز داریم که آن هم مکتب است. برای ما غیر از مکتب عاشورا هیچ جغرافیای دیگری تأثیر گذار نیست. مرزهای جغرافیایی، قراردادهایی آسمی روی زمین هستند. اما جغرافیای ما ماورای این‌هاست و همه مکان‌ها و زمان‌ها را دربر می‌گیرد. عاشوراییان جوامع در سرزمین خودشان در حال جهاد هستند. اما مردم عاشورایی افغانستان در مرزهای دورتر از سرزمین خود به دفاع از آرمان‌های اعتقادی خود می‌پردازند. بار اول، دوران دفاع مقدس بود که هشت سال نشان دادند که مرز برای آن‌ها مطرح نیست، بار دوم در سوریه نشان دادند که اصلاً ما جغرافیا نمی‌شناسیم؛ ما یک جغرافیا بیشتر نداریم که آن هم دین است و یک مرز داریم که آن هم مکتب است. برای ما غیر از مکتب عاشورا هیچ جغرافیای دیگری تأثیر گذار نیست. مرزهای جغرافیایی، قراردادهایی آسمی روی زمین هستند. اما جغرافیای ما ماورای این‌هاست و همه مکان‌ها و زمان‌ها را دربر می‌گیرد. عاشوراییان جوامع در سرزمین خودشان در حال جهاد هستند. اما مردم عاشورایی افغانستان در مرزهای دورتر از سرزمین خود به دفاع از آرمان‌های اعتقادی خود می‌پردازند. بار اول، دوران دفاع مقدس بود که هشت سال نشان دادند که مرز برای آن‌ها مطرح نیست، بار دوم در سوریه نشان دادند که اصلاً ما جغرافیا نمی‌شناسیم؛ ما یک جغرافیا بیشتر نداریم که آن هم دین است و یک مرز داریم که آن هم مکتب است. برای ما غیر از مکتب عاشورا هیچ جغرافیای دیگری تأثیر گذار نیست. مرزهای جغرافیایی، قراردادهایی آسمی روی زمین هستند. اما جغرافیای ما ماورای این‌هاست و همه مکان‌ها و زمان‌ها را دربر می‌گیرد. عاشوراییان جوامع در سرزمین خودشان در حال جهاد هستند. اما مردم عاشورایی افغانستان در مرزهای دورتر از سرزمین خود به دفاع از آرمان‌های اعتقادی خود می‌پردازند. بار اول، دوران دفاع مقدس بود که هشت سال نشان دادند که مرز برای آن‌ها مطرح نیست، بار دوم در سوریه نشان دادند که اصلاً ما جغرافیا نمی‌شناسیم؛ ما یک جغرافیا بیشتر نداریم که آن هم دین است و یک مرز داریم که آن هم مکتب است. برای ما غیر از مکتب عاشورا هیچ جغرافیای دیگری تأثیر گذار نیست. مرزهای جغرافیایی، قراردادهایی آسمی روی زمین هستند. اما جغرافیای ما ماورای این‌هاست و همه مکان‌ها و زمان‌ها را دربر می‌گیرد. عاشوراییان جوامع در سرزمین خودشان در حال جهاد هستند. اما مردم عاشورایی افغانستان در مرزهای دورتر از سرزمین خود به دفاع از آرمان‌های اعتقادی خود می‌پردازند. بار اول، دوران دفاع مقدس بود که هشت سال نشان دادند که مرز برای آن‌ها مطرح نیست، بار دوم در سوریه نشان دادند که اصلاً ما جغرافیا نمی‌شناسیم؛ ما یک جغرافیا بیشتر نداریم که آن هم دین است و یک مرز داریم که آن هم مکتب است. برای ما غیر از مکتب عاشورا هیچ جغرافیای دیگری تأثیر گذار نیست. مرزهای جغرافیایی، قراردادهایی آسمی روی زمین هستند. اما جغرافیای ما ماورای این‌هاست و همه مکان‌ها و زمان‌ها را دربر می‌گیرد. عاشوراییان جوامع در سرزمین خودشان در حال جهاد هستند. اما مردم عاشورایی افغانستان در مرزهای دورتر از سرزمین خود به دفاع از آرمان‌های اعتقادی خود می‌پردازند. بار اول، دوران دفاع مقدس بود که هشت سال نشان دادند که مرز برای آن‌ها مطرح نیست، بار دوم در سوریه نشان دادند که اصلاً ما جغرافیا نمی‌شناسیم؛ ما یک جغرافیا بیشتر نداریم که آن هم دین است و یک مرز داریم که آن هم مکتب است. برای ما غیر از مکتب عاشورا هیچ جغرافیای دیگری تأثیر گذار نیست. مرزهای جغرافیایی، قراردادهایی آسمی روی زمین هستند. اما جغرافیای ما ماورای این‌هاست و همه مکان‌ها و زمان‌ها را دربر می‌گیرد. عاشوراییان جوامع در سرزمین خودشان در حال جهاد هستند. اما مردم عاشورایی افغانستان در مرزهای دورتر از سرزمین خود به دفاع از آرمان‌های اعتقادی خود می‌پردازند. بار اول، دوران دفاع مقدس بود که هشت سال نشان دادند که مرز برای آن‌ها مطرح نیست، بار دوم در سوریه نشان دادند که اصلاً ما جغرافیا نمی‌شناسیم؛ ما یک جغرافیا بیشتر نداریم که آن هم دین است و یک مرز داریم که آن هم مکتب است. برای ما غیر از مکتب عاشورا هیچ جغرافیای دیگری تأثیر گذار نیست. مرزهای جغرافیایی، قراردادهایی آسمی روی زمین هستند. اما جغرافیای ما ماورای این‌هاست و همه مکان‌ها و زمان‌ها را دربر می‌گیرد. عاشوراییان جوامع در سرزمین خودشان در حال جهاد هستند. اما مردم عاشورایی افغانستان در مرزهای دورتر از سرزمین خود به دفاع از آرمان‌های اعتقادی خود می‌پردازند. بار اول، دوران دفاع مقدس بود که هشت سال نشان دادند که مرز برای آن‌ها مطرح نیست، بار دوم در سوریه نشان دادند که اصلاً ما جغرافیا نمی‌شناسیم؛ ما یک جغرافیا بیشتر نداریم که آن هم دین است و یک مرز داریم که آن هم مکتب است. برای ما غیر از مکتب عاشورا هیچ جغرافیای دیگری تأثیر گذار نیست. مرزهای جغرافیایی، قراردادهایی آسمی روی زمین هستند. اما جغرافیای ما ماورای این‌هاست و همه مکان‌ها و زمان‌ها را دربر می‌گیرد. عاشوراییان جوامع در سرزمین خودشان در حال جهاد هستند. اما مردم عاشورایی افغانستان در مرزهای دورتر از سرزمین خود به دفاع از آرمان‌های اعتقادی خود می‌پردازند. بار اول، دوران دفاع مقدس بود که هشت سال نشان دادند که مرز برای آن‌ها مطرح نیست، بار دوم در سوریه نشان دادند که اصلاً ما جغرافیا نمی‌شناسیم؛ ما یک جغرافیا بیشتر نداریم که آن هم دین است و یک مرز داریم که آن هم مکتب است. برای ما غیر از مکتب عاشورا هیچ جغرافیای دیگری تأثیر گذار نیست. مرزهای جغرافیایی، قراردادهایی آسمی روی زمین هستند. اما جغرافیای ما ماورای این‌هاست و همه مکان‌ها و زمان‌ها را دربر می‌گیرد. عاشوراییان جوامع در سرزمین خودشان در حال جهاد هستند. اما مردم عاشورایی افغانستان در مرزهای دورتر از سرزمین خود به دفاع از آرمان‌های اعتقادی خود می‌پردازند. بار اول، دوران دفاع مقدس بود که هشت سال نشان دادند که مرز برای آن‌ها مطرح نیست، بار دوم در سوریه نشان دادند که اصلاً ما جغرافیا نمی‌شناسیم؛ ما یک جغرافیا بیشتر نداریم که آن هم دین است و یک مر